



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 13

כי אתה נרי ה' והוי"ה יגיה חשכי

زیرا تو چراغ منی، نام چهار حرفی (ה', Havayah)



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/13

1 כי אתה נרי ה' והוי"ה יגיה חשכי. להבין הכפל ב"פ [ב' פעמים] הוי' הא' הוי' והב' והוי' בתוספת וי"ו.

«زیرا تو چراغ منی، نام چهارحرفی (ה', Havayah)، و ה' تاریکی ام را روشن می‌کند.» [باید] تکرار نام چهارحرفی را دوبار بفهمیم: بار نخست «ה'» است و بار دوم «ו ה'»، که در آن حرف واو افزوده شده است.

הנה כתיב נר ה' נשמת אדם. פי' שנשמת אדם המלובשת בגוף הוא בחי' נר של שם הוי'. לפי שכל הארבעה אותיות דשם הוי' מרומזות בנר.

اکنون نوشته شده است: «چراغ ה'، روح انسان است.» یعنی روح انسان که در بدن ملبّس است، مرتبۀ چراغ نام ه' است؛ زیرا هر چهار حرف نام ه' در چراغ مورد اشاره‌اند.

2 והיינו בארבעה דברים שבנר שהם השמן והפתילה וב' גווני אור נהורא اوکמא הנאחז בפתילה ונהורא חיורא למעלה ממנה.

یعنی در چراغ چهار چیز هست: روغن، فتیله و دو رنگ نور؛ نور تیره (נהורא اوکמא، nehora uchma) که به فتیله می‌چسبد، و نور سپید (נהورא חיורא، nehora chivra) که بالای آن است.

ולכן הנשמה קרויה נר שיש בה ג"כ ד' בחינות הללו שמן وפתילה וב' גווני אור המרומזות בד' אותיות הוי'.

ازاین‌رو روح «چراغ» نامیده می‌شود، زیرا آن نیز این چهار جنبه را دارد: روغن، فتیله و دو رنگ نور؛ این‌ها در چهار حرف نام چهارحرفی (ה', Havayah) مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

3 ולהבין ד' בחינות הללו بنשמה. וגם להבין ענין הנרות שהיו במקדש

[باید] این چهار جنبه (בחינה، bechinah) را در نفس بفهمیم، و نیز معنای چراغ‌هایی را که در معبد بودند.

שארז"ל [שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] וכי לאורה הוא צריך כו'. אלא עדות היא לבאי עולם שהשכינה שורה בישראל. וצ"ל למה הנרות דוקא עדות להשראת השכינה.

دربارۀ آن‌ها حکمای ما، که یادشان گرامی باد، فرموده‌اند: «مگر او به نور آن نیاز دارد؟» و غیره. «بلکه این گواهی‌ای است برای همهٔ جهانیان که حضورِ الهی (שכינה، Shechinah) در میان اسرائیل سکونت دارد.» و باید توضیح داد که چرا به‌خصوص چراغ‌ها گواهی بر سکونتِ حضورِ الهی‌اند.

**אך הענין הוא כי הנה אור המאיר הוא בשביל שנאחז האור בפתילה ומכלה אותה. אך הפתילה לבדה
היתה כבה וכלה במהרה**

اما توضیح این است: نور می‌تابد، زیرا نور به فتیله می‌چسبد و آن را می‌سوزاند. با این حال، فتیله به‌تنهایی زود خاموش می‌شد و تمام می‌شد.

و גם לא היתה הארת האור טובה כ"כ [כל כך] רק ע"י השמן שהוא הגורם התחברות האור בפתילה.

و نیز درخشش نور چندان نیکو نمی‌بود؛ [چنین است که] این درخشش تنها به‌واسطهٔ روغن حاصل می‌شود، روغنی که سبب پیوند نور با فتیله است.

4 והוא הגורם להיות האור טוב ובהיר שע"י השמן נעשה גוון נהורא חיורא. וע"י הפתילה גוונא אוכמא.

و این است که نور را نیکو و روشن می‌سازد: به‌واسطهٔ روغن، رنگِ نور سفید پدید می‌آید و به‌واسطهٔ فتیله، رنگِ تیره.

**וככל המשל הזה כך הוא בהתלבשות הנשמה בגוף ונה"ב [ונפש הבהמית] שאור הנאחז ונתלבש בנפש
הבהמית הוא כמשל האור שנאחז בפתילה. כי הנה הנה"ב [הנפש הבהמית] נלקחה מבחי' ק"נ [קליפת נוגה]
וכלולה מע"ס [מעשר ספירות] דנוגה שכל ומדות.**

همان‌گونه که در سراسر این تمثیل چنین است، در لباس پوشیدنِ نفس در بدن و نفسِ حیوانی (نפש הבהمیت، Nefesh HaBahamis) نیز چنین است: نوری که به نفسِ حیوانی می‌چسبد و در آن متلبس می‌شود، مانند نوری است که در تمثیل به فتیله می‌چسبد. زیرا نفسِ حیوانی از مرتبهٔ **کلیפת نוגה** گرفته شده و از ده مراتبِ تجلی (سפירות، Sefiros) **کلیפת نוגה**، یعنی عقل و صفاتِ عاطفی (مדות، middos)، ترکیب شده است.

**כי זלעו"ז [זה לעומת זה] עשה. כמו שיש ע"ס [עשר ספירות] בנשמה היא נה"א [נפש האלקית] שהם בקדושה. כך
יש עשר בחי' בנה"ב [בנפש הבהמית] שהן לגרמיה כו'. אשר שלט האדם באדם.**

زیرا «[ה'] این را در برابر آن آفرید.» همان‌گونه که در نفس، یعنی **نפש האלקیت**، ده مراتبِ تجلی وجود دارد که در قدوשה هستند، به همین ترتیب در نفسِ حیوانی نیز ده مرتبه وجود دارد که برای خودِ خویش‌اند و مانند آن. «هنگامی که انسان بر انسان فرمان می‌راند.»

5 ולאם מלאם יאמץ. וע"ס [נעשר ספירות] דנה"א [דנפש האלקית] נאחזות ומתלבשות בע"ס [בעשר ספירות] דנה"ב

[דנפש הבהמית] שהן לעומת זה. והכוונה הוא בכדי להפך נה"ב [נפש הבהמית] ולכלות אותה באור הנשמה.

«و یک قوم بر قوم دیگر نیرومندتر خواهد شد.» ده مرتبه تجلی (ספירות, Sefiros) نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elokis) به ده ספירות نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) چنگ می‌زنند و در آنها ملبس می‌شوند؛ اینها همتای آنهایند. مقصود آن است که نفیس حیوانی دگرگون شود و در نور نفس بسوزد.

ולהיות אתכפיא ואתהפכא כו' דוגמת כליון הפתילה באור הנאחז בה. וכמו שהפתילה עצמה נהפכת

לאור ואש. כך נה"ב [נפש הבהמית] עצמה היא אתהפכא כו'.

و [مقصود این است که] انقياد (אתכפיא, iskafya) و دگرگونی (אתהפכא, is'hapcha) رخ دهد، و مانند اینها؛ همچون سوخته‌شدن فتیله به‌وسیله نوری که به آن چنگ زده است. همان‌گونه که خود فتیله به نور و آتش بدل می‌شود، نفیس حیوانی نیز دستخوش אתהפכא می‌شود و مانند اینها.

6 אך להבין ענין זה כיצד תהיה התהפכות נה"ב [נפש הבהמית] החיונית להיות עולה במדרגה גדולה כ"כ [כל

כך] להיות ממנה אור וגילוי אלקות.

اما [باید] این را فهمید: چگونه دگرگونی نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) که به بدن حیات می‌بخشد رخ می‌دهد، به‌گونه‌ای که به مرتبه‌ای چنان بلند برمی‌آید که از آن نور و آشکارگی الوهیت پدید می‌آید؟

הנה כתיב ארוממך אלקי המלך. ויש בזה ב' פירושים הא' ארוממך ממטלמ"ע [ממטה למעלה] והב' ארוממך

היינו להיות המשכת הרוממות מלמעלמ"ט [מלמעלה למטה].

اکنون نوشته شده است: «تو را برمی‌افرازم، ای اَلَقِی، پادشاه.» این عبارت دو تفسیر دارد: نخست، «تو را برمی‌افرازم» از پایین به بالا؛ و دوم، «تو را برمی‌افرازم» یعنی رفعت از بالا به پایین فروآورده شود.

7 וביאור הענין כי הנה פי' אלקי מלשון אלי הארץ שהוא ל' [לשון] כח שזה אמר דהע"ה [דוד המלך עליו

השלום] בעבור כללות העולם

توضیح موضوع چنین است: معنای اَلَقِی (Elokai؛ «ה' من») از تعبیر «توانمندان زمین» یعنی اَلِی הארץ (eilei ha'aretz) گرفته شده است؛ این تعبیر بر قدرت دلالت دارد. شاه داوود (דוד)، که صلح بر او باد، این سخن را درباره جهان به‌طور کلی گفت.

שהכח והחיות הנמשך בהם מאוא"ס [מאור אין סוף] **ב"ה הממכ"ע** [הממלא כל עלמין] **הוא בבחי' המלך שלהיותו מלך על כל העולם הם חיים וקיימים ונתהוו מאין ליש מבחי' זו דמלכותו ית'.**

[منظورش این بود] که قدرت و نیروی حیات (chayus) که از نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof), ה' متبارک باد، به درون آنها جاری می‌شود - نوری که همهٔ عوالم را پر می‌کند (ממלא כל עלמין, memalei kol almin) - در مرتبهٔ «پادشاه» قرار دارند؛ زیرا او پادشاه سراسر جهان است، آنها زنده و پایدارند و از نیستی به هستی، از این مرتبهٔ فرمانروایی (מלכות, Malchus) او، پدید آمده‌اند؛ او متبارک باد.

8 **ونודע שהמלוכה והממשלה שבמלך אינה רק בחי' הארה והתפשטות לזולתו ואינו נוגע למלך עצמו כמו שאר מעלות ומדות שבו שהוא חכם כו'.**

معروف است که فرمانروایی و سلطهٔ پادشاه تنها مرتبه‌ای از تابش و گسترش به‌سوی دیگران است و به خود پادشاه مربوط نمی‌شود؛ برخلاف دیگر فضایل و صفات او، مانند اینکه حکیم است و جز اینها.

וזהו מלכותך מכ"ע [מלכות כל עולמים]. **שהתהוות כל עולמים עליונים ותחתונים והכח והחיות המלוּבש בהן ומהיה אותן נמשך מבחי' מדת מלכותך שהוא ענין מהות המלוכה והממשלה ולא ממהות המלך עצמו רק מבחי' מלכותו כו'.**

این [معناي] «فرمانروایی تو، فرمانروایی همهٔ عوالم است» است: پدید آمدن همهٔ عوالم بالا و پایین، و قدرت و نیروی حیات (chayus) که در آنها پوشیده است و آنها را پدید می‌آورد، از مرتبهٔ صفت «فرمانروایی تو» (فرمانروایی، مملکت, Malchus) سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی از حقیقت فرمانروایی و سلطه، نه از حقیقت خود پادشاه، بلکه تنها از مرتبهٔ فرمانروایی او و جز اینها.

9 **והנה להיות התפשטות ואוא"ס** [אור אין סוף] **ב"ה בבחי' מלכותו ית' היו כמה צמצומים. וכמ"ש להודיע לבני האדם גבורותיו וכבוד הדר מלכותו.**

اکنون، برای آن‌که نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، تبارک باد، در مرتبهٔ فرمانروایی (מלכות, Malchus) او، که مبارک باد، گسترش یابد، چندین انقباض (צמצומים, tzimtzumim) رخ داد؛ چنان‌که نوشته شده است: «تا به فرزندان آدمی کارهای عظیم او و شکوه جلال فرمانروایی‌اش را بشناساند.»

גבורותיו הן הן הצמצומים להיות כבוד הדר מלכותו. ואין זה אלא בחי' זיו להיות כבוד והדר. וכמאמר בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] בחי' שם בלבד.

«کارهای عظیم او» (גבורותיו, gevurosav)، همان انقباضها هستند تا «شکوه جلال فرمانروایی اش» پدید آید. و این چیزی جز مرتبه پرتو (זיו, ziv) نیست؛ پرتویی که مایه شکوه و جلال باشد؛ چنانکه در این گفته آمده است: «مبارک باد نام شکوه فرمانروایی اش تا ابدالآباد»؛ این فقط مرتبه یک نام است.

ואי לזאת ארוממך שע"ז יבא לקיום ואהבת את ה' אלקיך הוא אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש בכל לבבך בשני יצריך שע"ז אתכפיא כו' שלא יהי' [יהיה] חפץ ורצון אחר זולתו וכמ"ש מי לי בשמים וכו'.

ازاینرو، «تو را برمی افرازم»؛ بدین سان آدمی به انجام این فرمان می رسد: «ه' اלקיך را، با همه دل خود دوست بدار»؛ یعنی نور بی پایان، تبارک باد، خود او را، «با همه دلت»، با هر دو گرایشست. زیرا از این راه، مهار و به زیرکشیدن (אתכפיא, iskafya) پدید می آید و جز او هیچ خواسته و اراده (רצון, ratzon) دیگری باقی نمی ماند؛ چنانکه نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را جز تو دارم...» و جز این.

וזהו ארוממך ממטה למעלה. (וע"י [וע"י] בזהר וארא דכ"ח סוף ע"ב) וגם ארוממך המשכת הרוממו' מלמעלה למ"ט [מלמעלה למטה].

این معنای «تو را برمی افرازم» از پایین به بالاست. (و بنگرید به زوهر (זהר)، وئرا (וארא)، پایان ۲۸ ب.) و «تو را برمی افرازم» همچنین به معنای فرود آوردن رفعت از بالا به پایین است.

והענין כי הנה פעם אומרים יחיד חי העולמים מלך ופעם אומרים מלך יחיד חי העולמים.

و معنایش این است که گاهی می گوئیم: «یگانه، حیاتِ عوالم، پادشاه»؛ و گاهی می گوئیم: «پادشاه، یگانه، حیاتِ عوالم».

ופי' כי יחיד חי העולמים מלך היינו שהוא יחיד ומיוחד לבדו ית' וקדוש ومובدل כו'.

و معنای «یگانه، حیاتِ عوالم، پادشاه» این است که او یگانه و بی همتاست، تنها او، که مبارک باد؛ مقدس و جدا از عوالم است و غیره.

10 וחי העולמים הוא ע"י כמה צמצומים להיות בבחינת מלך לעולם שע"ז ארוממך מלמעלה למטה כו'

و «حیاتِ عوالم» از طریق چندین انقباض (צמצומים, tzimtzumim) پدید می آید، تا او در مرتبه پادشاه جهان باشد؛ و از این راه، «تو را از بالا به پایین برمی افرازم» و غیره.

ומלך יחיד חי העולמים היינו שלהיות חי העולמים הוא מתצמצם בבחי' מלך ובחינת מלך זה הגם שהוא בחי' אחרונה לגבי א"ס ב"ה עצמו מ"מ הוא בבחי' יחיד ומיוחד קדוש ומובדל כו' לגבי התהוות עלמין ו «پادشاه، یگانه، حیاتِ عوالم» یعنی برای آن که او حیاتِ عوالم باشد، خود را به مرتبۀ پادشاهی محدود می کند؛ و این مرتبۀ پادشاهی، با آن که نسبت به خود بی نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک است، واپسین مرتبه است، باین حال در نسبت با پدید آمدنِ عوالم، یگانه و یکتا، مقدس و جدا از عوالم است و غیره.

وای لزאת נמשך בחינת מלכותו לבחי' יחיד חי העולמים להיות התלבשות מלך יחיד קדוש ומובדל כו' בבחינת עלמין והיינו בעוה"ז הגשמי דוקא כי נעוץ תחלתן בסופן דייקא.

ازاین رو، مرتبۀ فرمانروایی (מלכות, Malchus) او به مرتبۀ «یگانه، حیاتِ عوالم» کشانده می شود، تا پادشاهِ یگانه، مقدس و جدا از عوالم و غیره، در مرتبۀ عوالم پوشیده شود؛ و این مشخصاً در این جهانِ جسمانی رخ می دهد، زیرا «آغازشان دقیقاً در پایانشان فرو نشانده شده است».

11 וזהו והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך היום כו' היום לעשותם כי הוא המשכת אור א"ס ב"ה ממש

מצוך מלשון התקשרות

این [معنای] «و این سخنان که من امروز به تو فرمان می دهم، ... خواهند بود» و «امروز، برای به جا آوردن آنها» است؛ زیرا این، فرودآوردنِ خودِ نورِ بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، ب"ה، می باشد؛ «به تو فرمان می دهم» (מצוך, metzavecha) به معنای پیوند است.

בבחי' היום לעשותם דוקא שהוא בעולם הזה עולם המעשה ולא בעולמות עליונים שהם ע"י השתלשלות בירידת סתר המדרגות מעילה לעלול כו' ורחוקים מאור א"ס ב"ה ממש.

[این] به طورِ خاص در مرتبۀ «امروز، برای به جا آوردن آنها» است؛ یعنی در این جهان، جهانِ عمل، و نه در عوالمِ بالاتر، که از طریقِ زنجیرۀ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) پدید می آیند؛ در نزولی از مراتبِ پنهان، از علت به معلول و غیره، و از خودِ نورِ بی پایان (אור אין סוף) ب"ה دورند.

משא"כ בסוף מעשה מתגלה אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש שלא כדרך ירידת והשתלשלות העולמות אלא כמשל האור הנאחז בפתילה שקודם שנאחז בפתילה אינו עולה בשם אור כלל.

اما در پایانِ عمل چنین نیست: در آنجا خودِ نورِ بی پایان (אור אין סוף) ب"ה آشکار می شود؛ نه به شیوۀ نزول و زنجیرۀ نزولِ عوالم، بلکه مانندِ مَثَلِ نوری که به فتیله می گیرد؛ پیش از آنکه به فتیله بگیرد، اصلاً نور به شمار نمی آید.

12 וע"י התאחזותו בדבר גשמי נתהווה גילוי אור. אך אור זה צריך להמשיך על ידי עבודת האדם ורוח אייתי רוח ואמשיך רוח. אם ישים אליו לבו ורוחו ונשמתו אליו יאסוף.

از رهگذر چنگ‌زدنِ آن به چیزی مادی، جلوه‌ای از نور پدید می‌آید. اما این نور باید از طریقِ کارِ عبادیِ انسان فرود آورده شود، و «روحي، روحي را می‌آورد و روحي را فرود می‌آورد». «اگر دل خود را به سوی او نهد، روح و جان خویش را به سوی او گرد می‌آورد».

13 וזהו ענין הדלקת הנרות להדליק ולהמשיך האור שיהא נאחז בפתילה. וזהו קרוב ה' לכל קראיו לכל אשר יקראהו באמת.

این است معنای افروختن چراغ‌ها: افروختن و فروفرستادنِ نور، تا به فتیله پیوند بخورد. و این است [معنای] «نام چهارحرفی (הי, Havayah) به همه کسانی که او را می‌خوانند نزدیک است، به همه کسانی که او را به‌راستی می‌خوانند».

דהיינו להיות אמת ה' לעולם. ואמתות ה' הוא שמעלה ומטה שוים לפניו ית' כחשיכו' [כחשיכה] כאורה
یعنی، تا «حقیقتِ ה'» در جهان (לעולם) باشد. حقیقتِ ה' این است که بالا و پایین در نظر او، متبارک باد، برابرند—«همان‌گونه که تاریکی است، روشنایی نیز هست».

וסדר ההשתלשלות הוא רק בערכנו ובערך כל העולמות הברואים מאין ליש שלא יבטלו במציאות ונק' כדמותנו דמות כבוד ה'. אבל בצלמנו בצלם אלקים היינו אמתות יחודו יתברך בעליונים ובתחתונים בשוה.

و نظم زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) تنها نسبت به ما و نسبت به همه عوالمی است که از نیستی به هستی آفریده شده‌اند، تا از هستی محو نشوند؛ و این «به شباهتِ ما»، «شباهتِ جلالِ ה'» نامیده می‌شود. اما «به صورتِ ما»، «در صورتِ اלקים (אלקים, Elokim)»، یعنی حقیقتِ یگانگیِ او، متبارک باد، در عوالمِ بالا و پایین به یکسان.

14 וכיצד נמשך אמת ה' לעולם אמר הכתוב כי גבר עלינו חסדו. מחמת תגבורת חסד ואור עליון יותר מערך השתלשלות.

و چگونه «حقیقتِ ה'» به جهان کشانده می‌شود؟ آیه می‌گوید: «زیرا مهرِ او بر ما چیره شده است»—از رهگذرِ فورانِ مهر (חסד, Chesed) و نورِ برین، فراتر از اندازه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus).

והיינו ע"י נה"ב [נפש הבהמית] כד אתהפכא ואתכפיא כי נה"ב [נפש הבהמית] הגם שלמטה בעוה"ז היא במדרגה שפלה מ"מ שרשה ומקורה העליון היא הגבה למעלה במאד

این امر به واسطه نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis)، هنگامی رخ می‌دهد که دگرگون (אתהפכא, is'hapcha) و مهار (אתכפיא, iskafya) شود. زیرا هرچند نفیس حیوانی در پایین، در این جهان، در مرتبه‌ای پست قرار دارد، ریشه و سرچشمه برین آن با این همه بسیار بسیار بالاست.

שהיא מבחי' לפני מלך מלך. וכמ"ש במ"א מענין המאכל שעליו יחיה האדם מפני ששרשו ממקום גבוה כו'.

زیرا از مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) ی «پیش از آن که هیچ پادشاهی فرمانروایی کند» است؛ چنان که در جای دیگری درباره غذایی که انسان از آن نیرو می‌گیرد توضیح داده شده است: ریشه آن از جایگاهی والاست و جز این، مطالبی دیگر.

ולכך ע"י התהפכות נה"ב [נפש הבהמית] בהתגברות הטוב על הרע מעורר כך למעלה בשרשה תגבורת אור וחסד עליון להיות גילוי אמת ה' לעולם אמתות ה' ממש.

از این رو، هنگامی که نفیس حیوانی دگرگون می‌شود و خوبی بر بدی چیره می‌گردد، این امر به‌طور متناظر در بالا، در ریشه آن، فورانی از نور و مهر برین برمی‌انگیزد تا «حقیقتِ ه'» در جهان آشکار شود—حقیقتِ خودِ ه'.

(وهוא בחי' חסד עליון הממתיק הגבורות. פי' דהרי מבואר לעיל שכדי להיות התפשטות האור בבחי' מל' הוא ע"י גבורות וצמצומים כמ"ש להודיע לבני האדם גבורותיו כו').

(این همان مرتبه / جنبه مهر برین است که قوای محدودکننده (גבורות, gevuros) را شیرین می‌کند. یعنی، چنان که پیش‌تر توضیح داده شد، گسترش نور در مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) به واسطه قوای محدودکننده و انقباضها (צמצומים, tzimtzumim) صورت می‌گیرد؛ چنان که نوشته شده است: «تا قوای نیرومندش (גבורותיו, gevurosav) را به فرزندان آدمیان بشناساند» و جز این.)

אבל בחי' כי אתה נרי הוי' הוא בחי' כי גבר עלינו חסדו להיות תוספת אור בלי צמצומים כו'. ונק' בחי' מיתוק זה יחוד קובה"ו [קודשא בריך הוא ושכינתיה] כמ"ש בתניא פמ"א [פרק מ"א / פרשה מ"א] בהג"ה [בהגהה]

اما مرتبه «زیرا تو چراغ منی، ه'» همان مرتبه «زیرا مهر او بر ما چیره شده است» است؛ تا نور بیشتری، بی‌انقباض، افزوده شود و جز این. این جنبه از شیرین‌سازی را اتحادِ قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) و حضور الهی (שכינה, Shechinah) می‌نامند؛ چنان که در تنیا (תניא, Tanya)، فصل 41، در حاشیه توضیح داده شده است.)

אך הנה כמו במשל אור הנר הנ"ל שע"י כליון הפתילה לבדה אינה מאיר כ"כ [כל כך] כ"א ע"י השמן.

اما همانگونه که در تمثيل نور چراغی که پیشتر آمد، تنها با سوختن فتيله، نور چندان خوب نمی‌تابد، بلکه این روغن است که چنین می‌کند.

כך צ"ל בחי' שמן בעבודת האדם בהתלבשות הנשמה בגוף. והוא ענין שמן משחת קדש ורומז על התורה

به همین ترتیب، در خدمت انسان نیز، هنگامی که نفس در بدن پوشیده است، باید مرتبه‌ای از روغن وجود داشته باشد. این همان «روغن مسح مقدس» (שמן משחת קדש, shemen mishchas kodesh) است و به توراہ اشاره دارد.

כי קדש הוא בבחי' חכמה ואורייתא מחכמה נפקת והשמן היא פנימיות החיות שבכל הדברים שמוציאים מהן השמן.

زیرا «مقدس» (קדש, kodesh) در مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) است و «توراہ از حکمت سرچشمه می‌گیرد». روغن، بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) نیروی حیات (حיות, chayus) در همه چیزهایی است که روغن از آنها استخراج می‌شود.

15 ולכן בכל הדברים יש שמן ואפי' [ואפילו] באבנים כי כולם בחכמה עשית ויש בכלם פנימיות החיות בבחי' שמן.

ازاین‌رو، در همه چیز روغن هست، حتی در سنگ‌ها؛ زیرا «همه را با حکمت (Chochmah, حכמה) آفریدی»؛ و در همه آنها بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) نیروی حیات (حיות, chayus)، در مرتبه روغن، وجود دارد.

והשמן הנמשך מקדש שהיא ח"ע [חכמה עילאה] היא ג"כ המתלבשת אפי' [אפילו] בדברים גשמיים כמו זרעים מועד כו'.

و روغنی که از «قدس» (קודש, kodesh)، یعنی حכמה برین، جاری می‌شود، همان چیزی است که حتی در امور مادی نیز در قالب آنها درمی‌آید، مانند Zeraim (זרעים) [و] Moed (موעד) و غیره.

16 ושמן זה הוא הגורם הארה רבה להיות האור טוב להאיר. והיינו להיות גלוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה بنפש האדם בגלוי ממש כאלו רואה כו'

این روغن است که روشنائی فراوان پدید می‌آورد، تا نور به‌خوبی بتابد. یعنی، تا نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، متبارک باد او، در نفس انسان آشکار شود؛ آشکاری واقعی، چنان‌که گویی می‌بیند و غیره.

**ולא בדמיונות הנולדים מן המחשבה לבדה שהן חולפות ועוברות ואינן קבועות בנפש באמת לאמתו רק
שיהא הגלוי בלב באמת לאמתו קבוע ותקוע בחיזוק כיתד שלא תמוט להיות נגדו תמיד**

نه در خیال‌هایی که تنها از اندیشه زاده می‌شوند و می‌گذرند و محو می‌شوند و در نفس، به‌راستی و حقیقت، استوار نیستند؛ بلکه آشکاری باید در دل، به‌راستی و حقیقت، ثابت و محکم کاشته شده باشد، همچون میخی که از جای خود تکان نمی‌خورد، تا همواره پیش روی او باشد.

**וגלוי זה הוא להיות יראת ה' על פניו יראה עלאה בבחי' בטול ממש הנרמזת באות יו"ד של שם הוי'
כנודע כי שם הוי' הוא דחילו ורחימו ורחימו ודחילו.**

این آشکاری برای آن است که «هیبتِ ה' بر چهره او باشد»: هیبتِ برتر (יראה עלאה, yirah ila'ah)، در مرتبه خودنفی‌گری (بیטول, bittul) واقعی، که به آن در حرفِ یוד (יו"ד, yud) از نامِ ה' اشاره شده است. زیرا چنان‌که دانسته است، نامِ ה' همان هیبت و عشق (دחילו وרחימו, dechilu urechimu)، عشق و هیبت (רחימו ودחילו, rechim udechilu) است.

**נמצא שאות יו"ד הרומזת לחכמה הוא בחי' דחילו שהיא בחי' יראה עלאה אם אין חכמה אין יראה.
לכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] מה להלך באימה וביראה אף כאן כו'.**

پس روشن می‌شود که حرفِ یود، که به حکمت (חכמה, Chochmah) اشاره دارد، مرتبه هیبت (دחילו) است؛ همان مرتبه هیبتِ برتر: «اگر حکمت نباشد، هیبت هم نیست.» از این‌رو حکیمان ما، یادشان گرامی، گفتند: «همان‌گونه که آنجا با بیم و هیبت بود، اینجا نیز چنین است» و غیره.

**17 והיינו מפני התלבשות ח"ע [חכמה עילאה] ששם שורה ומתגלה אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש בבחי' בטול
אפי' [אפילו] בדברים גשמיים הנאמרים בתורה אשר לפנינו.**

این از آن روست که حکمتِ برین (חכמה, Chochmah) در توره پوشیده است؛ در آن حکمت، نور بی‌پایان (اור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک باد، خود جای دارد و آشکار می‌شود؛ آن هم در حالتِ خودنفی‌گری (بیטول, bittul)، حتی در امور جسمانی‌ای که در توره‌ای که پیش روی ماست، از آن‌ها سخن رفته است.

وهלכה זו היא דבר ה' ממש. וכן האדם כשעוסק בתורה דבר ה' ממש ורוח פיו מדבר בו.

و این حکمِ توراتی (הלכה, halachah) خودِ کلامِ ה' است. همچنین، هنگامی که انسان به توره مشغول است، [این است] عینِ کلامِ ه'، و دم دهانِ او در او سخن می‌گوید.

18 וכמ"ש ודברי אשר שמתי בפוך ועז"נ [ועל זה נאמר] **ודברת במ להיות המשכ' חכמה ויראה עילאה במ בד"ת** [בדברי תורה].

چنانکه نوشته شده است: «و سخنانم را که در دهانت نهاده‌ام»؛ و دربارهٔ این گفته شده است: «و در آنها (bam, bam) سخن خواهی گفت»، تا حکمت (Chochmah, Chochmah) و هیبت برتر در آنها – در کلمات تورات – فرود آید.

ومזה נמשך תפלת י"ח בלחש ובחשאי בחי' שמן שהוא בחי' בטול. וע"ז רומזים כריעות והשתחויות שבתפלה שהם המשכות הבטול.

از این، دعای هجده‌گانه (تفילת شמונה עשרה, Shemoneh Esreh) [که] به نجوا و در خاموشی ادا می‌شود، سرچشمه می‌گیرد؛ این دعا مرتبهٔ روغن است که مرتبهٔ خودنفی‌گری (بیטול, bittul) است. خم‌شدن‌ها و سجده‌های نماز به این اشاره دارند؛ آنها فرودآمدن‌های خودنفی‌گری‌اند.

19 ולכן כתיב בעמדם תרפינה כנפיהם בבחי' לחש וחשאי. ויראה הנרמזת בה"א [באות ה"א] **אחרונה של שם הוי' היא יראה תתאה שלא למרוד בממה"מ** [بمملک ملکی الملکیم] **הקב"ה ולא למרות عיני כבודו. והוא בחי' הפתילה ששולט בה אור האש להפך ולכלות אותה.**

از این رو نوشته شده است: «هنگامی که می‌ایستادند، بال‌هایشان را فروهشتند»؛ این مرتبهٔ نجوا و خاموشی است. هیبتی که در حرف «هی» پایانی نام چهارحرفی (ה', Havayah) به آن اشاره شده، هیبت فروتر (יראה תתאה, yirah tata'ah) است: سرکشی نکردن بر پادشاه پادشاهان پادشاهان، قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu)، و مخالفت نکردن با چشمان جلال او. این مرتبهٔ فتیله است که نور آتش بر آن چیره می‌شود تا آن را دگرگون سازد و بسوزاند.

20 וב' גווני אור הם ב"פ [ב' פעמים] **רחימו שבשם הוי' כי ואהבת בגימט' [בגימטריא] ב"פ** [ב' פעמים] **אור היינו האהבה הרמוזה בה' ראשונה של הוי' היא בחי' אה"ר** [אהבה רבה] **הבאה מלמעלה אהבה בתענוגים שהיא בחי' מתנה כו'**

دو رنگ نور عبارت‌اند از دو [مورد ذکر] عشق (רחימו, rechim) در نام چهارحرفی (ה', Havayah)، زیرا «و دوست خواهی داشت» (واہבת, ve'ahavta) در حساب حروف و اعداد (גימטריا, gematria) برابر است با دو برابر نور (اور, or). یعنی عشقی که به حرف ה' نخست اشاره دارد، مرتبهٔ عشق عظیم (אהבה رבה, ahavah rabbah) است که از بالا می‌آید؛ «عشق در لذت‌ها» که مرتبهٔ هدیه است و غیره.

והיא בחי' נהורא חיוורא ואהבה הרמוזה בוי"ו של שם הוי' היא האהבה הנולדה בנפש המשכלת ומתבוננת בגדולת א"ס ב"ה והיא בחי' נהורא אוכמא הקרובה אל הפתילה ומתאחזת בה:

این، مرتبه نور سفید (נהورא חיוورא، nehora chivra) است. و عشقی که به حرف واو (ו، vav) از نام ה' اشاره دارد، عشقی است که در نفس فهمنده و متأمل درباره عظمت بی‌نهایت مطلق (אין סוף، Ein Sof)، متبارک باد، پدید می‌آید؛ این مرتبه نور تیره (נהורא اוכמא، nehora uchma) است که به فتیله نزدیک است و به آن می‌چسبد.

21 וזהו כי אתה נרי הוי' שבחי' הוי' היא בבחי' נר בשמן ופתילה. וב' גווני אור הרמוזות בד' אותיות של הוי' נעשה נרי שמתלבש בנר הוי' נשמת אדם כנ"ל:

این [معنای] «زیرا تو چراغ منی، ה'» است: مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) در مرتبه چراغی است با روغن و فتیله؛ و از دو رنگ نور که در چهار حرف نام به آن‌ها اشاره شده، «چراغ من» پدید می‌آید و در «چراغ ה'، جان انسان» پوشیده می‌شود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

22 והוי"ה יגיה חשכי. והוי' בתוספת וי"ו רומזת על בחי' הוי' ביותר עליונה. וכמ"ש הוי"ה הוי"ה אל רחום וחנון כו'.

«و نام چهارحرفی (ה', Havayah) تاریک‌ام را روشن می‌سازد.» «و ה'»، با واو افزوده، به مرتبه / جنبه (בחינה، bechinah) ای حتی والاتر از ه' اشاره دارد؛ چنان‌که نوشته شده است: «ה', ה', אל، دلسوز و بخشاینده...»

و פסיק טעמא בגווייהו שיש ב' בחי' הוי'. והענין כי פעם כתיב הוי' רחום וחנון ופעם כתיב חנון ורחום הוי'.

و نشانه مکث تلاوت (פסיק، pesik) میان آن دو فاصله می‌اندازد، زیرا دو בחינה از ه' وجود دارد. توضیح این است: در جایی نوشته شده است «ה'، دلسوز و بخشاینده»، و در جایی دیگر نوشته شده است «بخشاینده و دلسوز است ه'».

23 ופי' הוי' רחום وחנון שכדי להיות התגלות מדות רחום وחנון מאוא"ס [מאור אין סוף] ב"ה דלאו מכל אלין מדות איהו כלל. הוצרך להיות בחי' הוי' שהוא צמצום והתפשטות המשכה והתפשטות.

مقصود از «نام چهارحرفی (ה', Havayah)، مهربان و بخشنده» این است که برای آشکار شدن صفات مهربانی و بخشندگی از نور بی‌پایان (אור אין סוף، Or Ein Sof)، که متبارک است، از آن‌جا که «او اصلاً از هیچ‌یک از این صفات نیست»، لازم بود مرتبه (בחינה، bechinah) ی نام چهارحرفی پدید آید؛ مرتبه‌ای که عبارت است از انقباض (צמצום، tzimtzum) و گسترش، فرودآوری و گسترش.

אך פי' חנוך ורחום הוי' היינו שמבחי' חנוך ורחום דהיינו מפני כי חפץ חסד הוא נמשך בחי' הוי' שהוא צמצום והתפשטות כו' שבסדר ההשתלשלות

اما مقصود از «بخشند و مهربان، ה' است» این است که از مرتبة «بخشند و مهربان» - یعنی از آن‌رو که «او خواهان مهر است» - مرتبة ه'، یعنی **צמצום** و گسترش و مانند آن، در نظام زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) فرود می‌آید.

משא"כ הוי' שקודם רחום וחנוך היא ההוי' שלמעלה מגדר ההשתלשלות.

اما ה'یی که پیش از «مهربان و بخشند» می‌آید، همان ه'یی است که فراتر از حدود زنجیره نزولِ عوالم قرار دارد.

ושם נעשה ג"כ בחי' הוי' שהוא צמצום והתפשטות [והתפשטות] כו' כדי להמשיך מדת רחום וחנוך בהוי' שבסדר ההשתלשלות.

در آن‌جا نیز مرتبة ه'، که عبارت است از **צמצום** و گسترش و مانند آن، پدید می‌آید تا صفت «مهربان و بخشند» را به ه'یی که در نظام زنجیره نزولِ عوالم قرار دارد، فرود آورد.

(ועמ"ש ע"פ ואתחנן אל הוי' וע"פ וירא ישראל את ה' הגדולה כו' מענין ב' שמות הוי'):

(همچنین بنگرید به آنچه درباره آیه «و به ه' التماس کردم» و آیه «و اسرائیل دستِ بزرگ را دید» و مانند آن توضیح داده شده است، درباره دو نام ه').

24 והנה בדורות הראשונים כמו בנביאים ושופטים מצינו דור שכולו זכאי או כולו חייב. ומי שהיה זכאי

הי' [היה] זכאי במדרגת צדיק גדול או נביא ומי שהיה חייב היה רשע גמור ועי"ז לא היו ממוצעים.

اکنون، در نسل‌های نخستین، چنان‌که در [روزگار] پیامبران و داوران می‌یابیم، نسلی سراسر سزاوارِ پاداش یا سراسر گناهکار بود. هر کس که شایسته بود، شایستگی‌اش در حدّ یک پارسای بزرگ (צדיק, tzaddik) یا پیامبری بود، و هر کس که گناهکار بود، کاملاً شرور بود؛ ازاین‌رو، افرادِ میانه‌ای وجود نداشتند.

אך דורות האחרונים דור אחר דור אין בהם רשעים כ"כ [כל כך] ולא צדיקים כ"כ [כל כך] טובים.

اما در نسل‌های متأخر، نسل پس از نسل، نه چنین شرورانی وجود دارند و نه **צדיקים** به این اندازه نیکو.

25 והענין שבדורות הראשוני' [הראשונים] היו נשמות עליונות ממדרגות גבוהות ומצד נשמתם בעצמם היו

יכולים לשלוט על הרע שבנפשם ומיד כשיתבונן בגדולת א"ס ב"ה יגיע אליו היראה כו' רק רשע גמור שמגביר הרע שבנפשו בשאט בנפש.

توضیح این است که در نسل‌های نخستین، نفس‌هایی بلندمرتبه و از مراتب عالی وجود داشتند و به واسطه خود نفس‌هایشان می‌توانستند بر بدی درون نفس خویش چیره شوند؛ به محض آنکه کسی در عظمت بی‌نهایت مطلق (این سوف، Ein Sof)، که متبارک باد، تأمل می‌کرد، هیبت به او دست می‌داد و مانند آن؛ مگر شخصی کاملاً شریر که از روی بی‌اعتنائی کامل، بدی درون نفسش را تقویت می‌کرد.

أبل دوروت האחרונים עיקבא דמשיחא בחי' עקביים אין כח בנשמתם עצמם לשלוט על הרע וצריך יגיעה רבה יגיעת נפש ויגיעת בשר.

اما نسل‌های متأخر - «پاشنه‌های مשיח (Moshiach)» (عיקבא دמשיחא, ikvesa diMeshicha)، یعنی مرتبه پاشنه‌ها - در خود نفس‌هایشان نیرویی برای چیره‌شدن بر بدی ندارند و به کوشش فراوان نیاز دارند: کوشش نفس و کوشش جسم.

26 וזהו והוי"ה יגיה חשכי היינו בחי' חשך שבדורות אחרונים. כי דהע"ה [דוד המלך עליו השלום] אמר זה בעד

כללות ישראל שיש בהם בחי' חשך בדורות אחרונים עיקבא דמשיחא

این [معناي] «و نام چهارحرفی (ה', Havayah) تاریکی‌ام را روشن می‌کند» است: یعنی مرتبه تاریکی در نسل‌های واپسین. زیرا داوود (دוד) پادشاه، علیه‌السلام، این سخن را از جانب تمامی اسرائیل گفت؛ در میان آنان در نسل‌های واپسین - «پاشنه‌های مשיח (Moshiach)» - مرتبه‌ای از تاریکی وجود دارد.

שאיך אתה נרי הוי"ה כלומר שאין נר הוי"ה נשמת אדם מ"מ והוי"ה היא בחי' הוי"ה עליונה שלמעלה מההשתלשלות יגיה חשכי ולמענו למענו יעשה כי חפץ חסד הוא באתעדל"ע [באתערותא דלעילא] בלי אתעדל"ת [אתערותא דלתתא]:

[سپس] دیگر «تو چراغ من هستی، ה'» نیست؛ یعنی «چراغِ ه'، جانِ آدمی» وجود ندارد. بااین‌همه، «و ه'» - یعنی مرتبه برترِ ه'، که فراتر از زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است - «تاریکی‌ام را روشن می‌کند»؛ و «به‌خاطرِ خودِ او، به‌خاطرِ خودِ او عمل خواهد کرد»، زیرا «او مهر را می‌خواهد»، از طریق برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) بدون برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata).

27 וזהו ענין נס דחנוכה שנכנסו יונים להיכל. היכל הוא בחי' מח' ה"י כ"ל בגימטריא נש"ב [נ' שערי בינה].

این معنای معجزه حنوکا است: یونانیان وارد حرم معبد، هیکل (היכל، Heichal)، شدند. هیکل مرتبه ذهن است: [حروف آن عبارت اند از] هی-یود (ה"י، hei-yud) [و] کاف-لام (כ"ל، kaf-lamed)؛ کاف-لام در محاسبه ارزش عددی حروف (גימטריא، gematria) برابر با پنجاه است، یعنی پنجاه دروازه فهم (בינה، Binah).

והיונים הנ"ל הם בחי' חכמה דקליפה חכמות חיצוניות כמו פילסופיא. שבזמן ההוא היו פילסופים המכחישי' [המכחישים] בנבואה.

این یونانیان مرتبه حکمت (חכמה، Chochmah) در پوسته (קליפה، kelipah) هستند: حکمت‌های بیرونی، مانند فلسفه. زیرا در آن زمان فیلسوفانی بودند که نبوت را انکار می‌کردند.

28 ולכן טמאו כל השמנים של בחי' חכמה שבקדושה שרצו להשכיחם תורתך כו' ונעשה נס ע"י פך של

שמן שהי' [שהיה] מונח בחותמו של כה"ג [כהן גדול] דיקנא דכהנא רבא חסד עליון בהעלות אהרן את הנרות אהרן שושבינא דמטروניתא

از این رو، همه روغن‌ها، [روغن‌های] مرتبه حکمت (חכמה، Chochmah) در قدوسیت را نجس کردند، زیرا می‌خواستند «تورای تو را از یادشان ببرند» و غیره. و معجزه‌ای به واسطه کوزه‌ای روغن رخ داد که با مهر کاهن اعظم بسته شده بود؛ «ریش کاهن اعظم»، مهر برین (חסד، Chesed)؛ «هنگامی که هارون (אהרן) چراغ‌ها را می‌افروزد»؛ هارون، «همراه ملکه».

שהיא אהבה הבאה מלמעלה באתעדל"ע [באתערותא דלעילא] וממנו הדליקו כל הח' ימים שהם המחשבה וז' המדות שתהיינה מאירות באור האהבה הבאה מלמעלה בלי אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] והיא מבחי' וי"ו בתוספת וי"ו העליונה שלמעלה מעלה מן ההשתלשלות:

این عشقی است که از بالا می‌آید، از راه برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא، isarusa dileila). از آن، هر هشت روز را روشن کردند؛ این هشت روز عبارت‌اند از اندیشه و هفت صفت عاطفی (מדות، middos)، تا با نور عشقی که از بالا می‌آید و به برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא، isarusa dilesata) نیاز ندارد، روشن شوند. و این از مرتبه واو (וי"ו، vav)، واو افزوده، یعنی مرتبه برین [مرتبه‌ای] است که بسیار فراتر از زنجیره نزول عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) قرار دارد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از [/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/13/](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/13/)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک